



مقطع تحصیلی: کاردانی □ کارشناسی □ رشته: نقاشی ترم: چهارم سال تحصیلی: 1398-1399  
 نام درس: نقاشی مفهومی نام و نام خانوادگی مدرس: ماندانا سپاسی  
 آدرس email مدرس: [sepasi.mandana@gmail.com](mailto:sepasi.mandana@gmail.com) تلفن همراه مدرس: 09122145708

جزوه درس: نقاشی مفهومی مربوط به هفته: اول □ دوم □ سوم □ چهارم □ پنجم □  
 text: دارد □ ندارد □ voice: دارد □ ندارد □ power point: دارد □ ندارد □  
 تلفن همراه مدیر گروه: 09382780052

### سورنالیسم دیجیتال - قسمت اول

اغلب مردم، چه علاقمند به آثار هنری باشند چه علاقه ای به هنر نداشته باشند، مطمئناً با دیدن آثار هنری سورنال مجذوب آن ها می شوند. آثاری که در زیر مشاهده می کنید خارق العاده، فراتر از منطق، ماورای فیزیک و آزاد از هر گونه محدودیت مکان و زمان هستند که در پشت عناصر هنری مستتر شده اند. هنرمندان سبک سورنال دیجیتالی از ابزارهای مدرن و پیشرفته ای استفاده می کنند که به این امکان را برای آن ها فراهم می کند تا بتوانند ایده های خود را فراتر از آنچه در واقعیت وجود دارد به تصویر بشکنند. هر روزه طراحان و هنرمندان با ایده های جدید و حیرت انگیز ما را با روش های نو و جدیدی که در طراحی بکار می برند بیش از پیش به شگفت وا می دارند.

اگر سالوادور دالی امروز بود و این ابزار را در اختیار داشت چه آثار با شکوهی خلق می کرد! در زیر تعدادی اثر هنری سورنال دیجیتالی منحصر به فرد از هنرمندان مختلف و با سبک های متفاوت آورده شده است. برخی از این هنرمندان برای به تصویر کشیدن ایده های خود از عناصر متفاوت و برخی دیگر از نقاشی های دیجیتالی، مدل سازی سه بعدی و دستکاری عکس استفاده کرده اند.



اصول فراواقع گرایی یا سورنالیسم یکی از جنبش های معروف هنری در قرن بیستم است. فراواقع گرایی (سورنالیسم) محصول تغییرات بعد از جنگ جهانی اول و فراموشی دادانیسم بود که از سال ۱۹۲۱ آغاز شد. ظهور سورنالیسم زمانی بود که نظریه های فروید روانکاوی اتریشی درباره ناخودآگاه و رؤیا و واپس زدگی (سرکوب)، فرهیختگان اروپا را به خود مشغول کرده بود.

آندره برتون و لویی آراگون که هر دو پزشک بیماری‌های روانی بودند از تحقیق‌های فروید الهام گرفتند و پایه مکتب جدید خود را بر فعالیت ضمیر ناخودآگاه بنا نهادند.



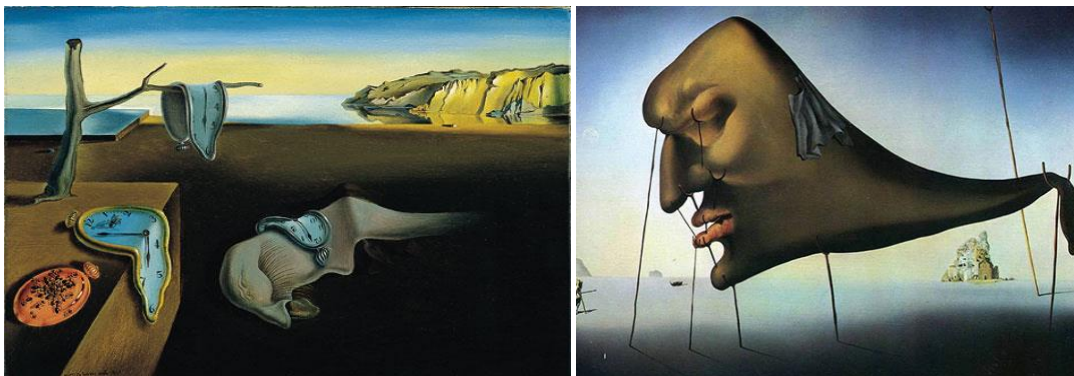
نخستین کتاب سوررئالیستی با عنوان میدان‌های مغناطیسی در سال ۱۹۲۱ به قلم آندره برتون و یکی از همکارانش منتشر شد.

**سوررئالیسم** با جایگزینی مفهوم واقعیت برتر به جای عصیان و نفی موجود در دادائیسیم شکل گرفت. به عقیده این گروه هر چیز که در مغز انسان می‌گذرد (در صورتی که پیش از تفکر یادداشت شود)، مطالب ناآگاهانه، حرفهای خود به خودی (که بدون اختیار از دهان بیرون می‌آید) و همچنین رویا جزء مواد اولیه **سوررئالیسم** به شمار می‌رود. سوررئالیست‌ها می‌گویند: بسیاری از تصورات و تخیلات و اندیشه‌های آدمی هست که انسان بر اثر مقید بودن به قید اخلاقی و اجتماعی و سیاسی و رسوم و عادات از بیان آنها خودداری می‌کند و این تصورات را به اعماق ضمیر پنهان خویش می‌راند.

این قبیل افکار و اندیشه‌ها و آرزوها غالباً در خواب و رویا و در شوخی‌ها و حرف‌هایی که از زبان انسان می‌پرد تجلی می‌کند و سوررئالیستم طرفدار بیان صادقانه و صریح این قبیل افکار و تصورات و اوهام و آرزوها است. سوررئالیست‌ها فعالیت اصیل انسان را همان فعالیت رویا مانند ندای درونی دنیای ناخودآگاه می‌دانند. هنرمندان سوررئالیست، که بیشتر بر جنبه‌های ناخودآگاه ضمیر انسان تاکید داشتند، با ابداع تکنیک‌های بازتولید مکانیسم رویا، تئوری تداعی آزاد را معرفی کردند.

در روش تداعی آزاد فرد بدون دخالت سانسوری که در ضمیر خود آگاهی وجود دارد، بدون اینکه فکر کند، هر چه به ذهنش می‌رسد بیان می‌کند. آن‌ها معتقد بودند هنرمند زمانی باید به خلق اثر هنری بپردازد که از قید و بند تعقل و خودآگاهی آزاد باشد و چیزی فراتر از واقعیت‌های دنیای پیرامون خود خلق کند.

آن‌ها با الهام از آثار ژرژو دو چیریکو، که به اتفاق آرا به عنوان بنیانگذار زیبایی‌شناسی سوررئالیسم شناخته شده بود، سعی کردند از تاثیر ضمیر خودآگاه و دخالت اراده در خلق آثار هنری بکاهند. تکنیک‌هایی مثل "فروتاژ و کولاژ که مکس ارنست" از آن‌ها استفاده می‌کرد، طرح‌های اتوماتیک آندره مانسون و ریوگراف‌های (تصاویر اشعه‌ای) من ری، اولین نمونه از آثار هنری هستند که به این شیوه خلق شده‌اند. اندکی بعد، میرو، ماگريت و دالی، با کنار هم قرار دادن المان‌های ناهماهنگ، موفق شدند تصاویری رویا مانند بسازند. نمایشگاه این گروه، در سال ۱۹۲۵ در پاریس برگزار شد. این جنبش در جهت دستیابی به شهرت جهانی، موفق شد در سال ۱۹۳۶، نمایشگاه‌هایی در لندن و نیویورک، و پس از آن در سال ۱۹۳۷ در توکیو و در سال ۱۹۳۸ در پاریس برگزار کند. با شروع جنگ، عده زیادی از این گروه رهسپار ایالات متحده شدند و همین امر باعث بیشتر شدن نام و آوازه آن‌ها شد. به همین دلیل است که، سوررئالیسم تا حد زیادی بر هنر آمریکا تاثیر گذاشته است. به عنوان مثال، روش اتوماتیسم، مبنای آثار جکسون پولاک و نقاشی اکشن قرار گرفت و علاقه سوررئالیست‌ها به اشیای حقیقی دنیای پیرامون، پیش زمینه هنر پاپ شد. سوررئالیسم جنبشی بود که طی بیش از چهل سال، از زمان پیدایش سبک‌های جدید اوایل قرن بیستم تا زمان ظهور جریان‌های جدید دهه ۱۹۶۰، شکل گرفت. علاوه بر تاثیری که سوررئالیسم بر نقاشی آمریکا و هنر پاپ داشت، این سبک در دهه ۱۹۶۰ در پس موج جدید دیگری در اروپا قرار گرفت و در همین زمان، سبک رئالیسم جدید ظاهر شد. از فراواقع‌گرایان مشهور می‌توان به سالوادور دالی و رنه ماگريت اشاره کرد. استنتاج‌های زیباشناختی این نظریه، روشن و ساده است: عنصر شگفت‌انگیز به تنهایی می‌تواند هنر را بارور سازد و بیانی پر بار به حساسیت بشری که از ناخودآگاه تغذیه می‌شود، بخشد.



وظیفه هنرمند این است که شگفت‌انگیز را به خودنمایی وا دارد؛ و در این امر او می‌تواند روش‌های بس گونه‌گون به کار بندد. نویسنده در حالتی نیمه‌بیدار، با رها کردن قلم خویش نجوای اندیش مهار



نشده اش را به ثبت می‌رساند. نگارش «خودکار»، تصاویر ذهنی و تداعی‌ها را به سطح خودآگاهی می‌آورد و می‌توان آن را نوعی «اندیشه‌نگاری» بی‌واسطه نامید. در این اسلوب، کیفیت‌های خود‌انگیخته، شگفت‌انگیز و «غیر معقولی بی‌واسطه» رخ می‌نمایند؛ و هر آنچه از سوی ناخودآگاه می‌رسد، به منزله واقعیت انگاشته می‌شود.

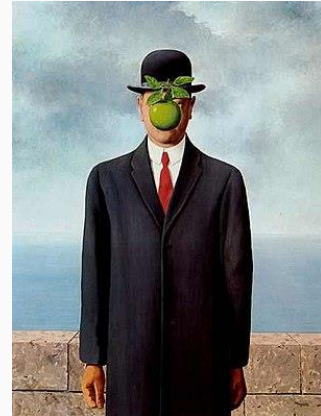
### سالوادور فلیب دالی (1904-1989)

سالوادور فلیب دالی نقاش بزرگ و مشهور اسپانیایی به سبک‌ها و تکنیک‌های مختلفی در طول زندگی هنری خویش پرداخته و آثار با ارزشی را خلق کرد. وی در زمینه‌های اسکیز، نقاشی، عکاسی، و کارهای مالتی‌مدیا نیز با نقاشان دیگر همکاری داشت، به ویژه در فیلم‌های مستقل سوررئالیستی.

دالی در سال 1929 به طور رسمی به جمع هنرمندان سوررئالیسم پیوست. دالی طنز و شوخی را دست‌مایه‌کار خود قرار داد و از حالت‌ها و مظاهر جدی و پرسیلابت جلوه‌های زندگی دوری جست. او رنگ‌ها را به شرافت و التهاب‌کشاند و از تفکرات فروید در خیال و خاطره خود در شناختن حقیقت برتر و تلقی‌ات رویاها بهره برد و برای رشد افکار حاصل از ذهن ناخودآگاه خود، شروع کرد به چیره شدن بر اوهم و افکار پوچش که آن را خطرناک توصیف می‌کرد او به عنوان یک نقاش، تکنیک‌های آسان غیرمعمول را نمایش داد. در اواخر سال 1920 دو حادثه باعث تکمیل شدن سبک هنری او شد که یکی کشف نوشته‌های زیگموند فروید در مورد عشق فراوان به تصورات ذهنی ناخودآگاه بود و دیگری وابستگی او به مکتب سوررئالیسم. از سال 1929 تا 1937 تابلوهایی را کشید که سبک نقاشی او با سرعت فوق‌العاده‌ای به کمال رسانید. به نحوی که او را بهترین نقاش سوررئالیست جهان ساخت. اگر چه سالوادور دالی شاید معروفترین هنرمند سوررئالیسم باشد اما او تنها سوررئالیست نیست

آثار او سبک‌های مختلفی از امپرسیونیسم تا سبک‌های قدیمی‌تر را می‌پوشاند و بازتاب آن‌ها روی آثارش سلطه هنری فوق‌العاده او را بر روی کارش نشان می‌دهد. در حقیقت چنین می‌توان نتیجه گرفت که «سوررئالیسم» یا سیری مکاشفه‌گونه در ناخودآگاه روحی و روانی، تلاشی است در راستای بیان کلامی، نوشتاری و یا تصویری یک ذهنیت پویا و روشی است برای ابراز آزادانه عملکرد تفکر و اندیشه. این جریان هنری در اساس متکی است بر حقیقتی عالی‌تر از واقعیت، که به مدد اشکال موهومی از تداعی معانی، قدرت مطلقه عالم رویاء و یا نوعی بازی پوچ و بی‌انگیزه دهند، به ظهور می‌رسد. این سیر آفاق ذهنی سامان روانی انسان را در هم کوبیده تا به گونه‌ای دیگر به حل مشکلات عمده زندگی نائل آید.





### سئوالات:

- 1- سبک سورئالیسم را به طور مختصر شرح دهید؟
- 2- نام یک هنرمند سورئالیسم با ذکر مثال؟
- 3- سبک سورئالیسم متکی بر چه اساسی است؟
- 4- اندیشه نگاری بی واسطه را توضیح دهید؟
- 5- ویژگی آثار سالوادور دالی و نام دو اثر از این هنرمند را بنویسید؟